

جایزه ادبی نوبل؛ از آغاز تا امروز

(بخش نخست)

علی بخشی*

آلفرد (برنهارت) نوبل (۱۸۹۶ - ۱۸۳۳)، شیمیدان و صنعتگر، اهل سوئد بود. کوشش‌های او در یافتن روش بی‌خطری در زمان کار با گلیسرین به اختراع دینامیت منجر شد. نوبل شبکه وسیعی از کارخانجات را به منظور تولید دینامیت در حد صنعتی و مؤسسه بزرگی برای فروش آن تأسیس نمود. آلفرد نوبل بیش از ۳۵۰ اختراع به ثبت رساند که بسیاری از آنها به مواد منفجره ارتباط نداشت. (مانند ابریشم و چرم مصنوعی و ...) آلفرد شخصیتی پویا و ناآرام داشت، اما در عین حال انسانی صلح‌طلب بود؛ چون اختراعش در جنگ جهت کشتن مردم مورد (سوء) استفاده قرار می‌گرفت، به او لقب «سوداگر جنگ» داده بودند. شاید به منظور مقابله با این «لقب» بود که بیشتر دارایی خود را برای ایجاد بنیاد «جوایز نوبل» وقف نمود. این جوایز بعداً سرآمد همه جوایز جهانی در رشته‌های مختلف شد. در این نگاه انتقادی جایزه نوبل ادبیات را با محک نقد می‌سنجیم.

نگاهی انتقادی به اهدای جایزه نوبل ادبیات از آغاز تا زمان حاضر

طبق وصیت آلفرد نوبل (۱۸۹۵)، جایزه ادبیات باید به نویسنده یا شاعری اهدا شود که «برجسته‌ترین اثر را در مسیری آرمانی در زمینه ادبیات آفریده باشد» و از ادبیات توسط بنیاد نوبل چنین تعریف شد.

«... نه تنها ادبیات بلکه هر نوشته دیگری هم که از

نظر شکل و شیوه واجد ارزش ادبی باشد». در طی ۱۰۶ سالی که جایزه نوبل ادبیات همه ساله، بجز چند سال در زمان جنگ، اهدا شده است. شرایط و نگاه ویژه بنیاد نوبل و تأویل و تفسیرهای گوناگون بنیاد از وصیت‌نامه نوبل نه تنها یکسان نبوده، بلکه در هر دوره با دوره پیشین اختلاف ماهوی داشته است. در دوره اول (۱۹۱۲-۱۹۰۱) «دیوید اف، ورسن» دبیر بنیاد نوبل شد. واژه «آرمانی» در وصیت‌نامه نوبل به «آرمان‌گرایی ژرف و متعالی» تعبیر شد. همان معیارها و ملاک‌هایی که سبب اهداء جایزه نوبل ادبیات به کسانی نظیر «بیورنستین بیورنسون»، «رادیرد (جوزف) کیپلینگ»،

«پُل هسه» و نظایر آنها شد، اما ادیبان و نویسندگان واقعاً بزرگ و شایسته‌تری چون «تولستوی، ایبسن و امیل زولا» کنار گذاشته شدند! این امر مبین نوعی آرمان‌گرایی به غایت محافظه‌کارانه و برداشتی از یک گونه تفکر فلسفی هگلی مبنی بر تقدس کلیسا، دولت و خانواده مطابق زیبایی‌شناسی آرمانی گوته و هگل از سوی بنیاد نوبل، به ویژه دبیر آن و نوعی قربانی کردن حق بزرگان ادب جهان به خاطر اختلاف نگاه به مسائل و شرایط بشری بود.

دلیل دیگر بر اثبات این مدعا محرومیت نویسندگان رادیکال ناحیه اسکاندیناوی از دریافت جایزه نوبل، توسط ورسن و بنیاد می‌باشد. به عبارت دیگر این نوع بی‌عدالتی مسبوق به سابقه بود. نگاه تنگ‌نظرانه «ورسن» به وصیت‌نامه نوبل باعث شد او را «دون کیشوت آرمان‌گرایی رمانتیک سوئد» لقب دهند، کسی که فرصت یافته بود تفکرات محدود منطقی‌های خود را به ادبیات جهان



به ادبیات و ادیبان بود. در مسیر نیل به هدف «بیشترین سودرسانی به نوع بشر» آکادمی سوئد در دهه ۱۹۳۰ دیدگاه جدیدی را آزمود. انعکاس این تفسیر نوین از «نوع بشر» مطالعه بلافصل اثر مورد بررسی توسط مردم بود. به عبارت دیگر استقبال مردمی

از اثر، نشان نفع بردن «نوع بشر» از آن بود و در بررسی کمیته نوبل تأثیر می‌گذاشت. نکته صدرا اشاره اهمیت بسزایی داشت.

کسانی که آثارشان در دسترس همگان قرار داشت مورد اقبال بوده، بیشتر مطالعه می‌شد؛ گزارش کمیته مبتنی بر ملاک مزبور تهیه می‌شد، به طور نمونه اهدای جایزه مزبور به «سینکلا لوتیس» و خانم «پرل باک» و عدم پذیرش شاعران بی‌نظیری نظیر «پل والر» و «پل لودل» نظریه فوق را تأیید می‌کند. با وقفه‌ای که در اثر جنگ جهانی دوم در اهدای جایزه نوبل ادبیات ایجاد شد (۴۳ - ۱۹۴۰) دبیر جدید جوایز نوبل «آندرسن اوسترلینگ» دیدگاه‌های پیشین فرهیختگان مؤثر در بنیاد نوبل را به کناری نهاد، نظر افراد عادی را نیز در انتخاب نامزدهای برنده جایزه نوبل ادبیات مدنظر قرار داد و به جای نگرش‌های قبلی تأکید زیادی بر «پیشاهنگان / پیشگامان» شعر و ادبیات نهاد. برای دوره‌ای برندگان جایزه از نویسندگانی برگزیده شدند که در هموارکردن راه توسعه و تجدّد ادبی پیشگام محسوب می‌شدند. در زمینه ادبیات فهرست این افراد با «رمان هسه» که در دهه ۱۹۳۰ به خاطر «هرج و مرج اخلاقی» و «فقدان بصیرت» و «عدم تأثیرگذاری مؤثر!!» رد شده بود، آغاز می‌شود.

بدینی از نوع «بکت» یا کسی چون «ازراپاوند» به خاطر صفت «پیشگامی» پذیرفته، اما به علت مسائل زمان جنگ و محکومیت به مرگ به خاطر خیانت رد شده بود. اما این نظر بلندی

تحمیل کند. واضح است که چنین نگاهی عملاً با ارزش‌های نوبل متفاوت بود. نوبل به احتمال زیاد با تنفر «ورسن» از نویسندگانی نظیر «زولا» موافق، اما به شدت ضد کشیش و کلیسا بوده آرمان‌گرایی آرمانشهر «شلی» و تعدّد مذهبی در جهان را باور و قبول داشت.

محتوای مرحله دوم جایزه نوبل ادبیات را می‌توان «سیاست ادبی خنثی» عنوان کرد. دبیر جدید کمیته نوبل در آغاز جنگ جهانی اول نیرویش را صرف توجه به بیرون از محدوده محدود پیشین نموده فرصت دریافت جایزه نوبل ادبیات به نویسندگان کشورهای کوچک را فراهم نمود.

این سیاست را می‌توان با دقت در فهرست برندگان جایزه در ناحیه اسکاندیناوی به آسانی متوجه شد. اهدای جایزه به «ورنر فون هایدنستام» سوئدی و جایزه مشترک «کارل گلوپ» و «هنریک پوتوییدان» نویسندگان دانمارکی و «کنوت همسن پدرسن» نروژی مؤید همین ادعاست. دوره سوم تقریباً با دهه ۱۹۲۰ مصادف شد و می‌توان آن را «دوره سبک بزرگ» نام نهاد. این مفهوم کلیدی از گرایش اهدای جایزه به آثاری با اصالت سبک‌های باستانی هویدا می‌شود، چیزی که در ادبیات معاصر آن دوره در حال نضج‌گیری بود؛ آثاری چون «خاندان بودنبروک» اثر «توماس مان»، به عنوان شاهکاری که به رئالیسم تولستوی نزدیک شده بود، به تنهایی شایسته دریافت جایزه نوبل ادبیات تشخیص داده شد، اما اثر بزرگی مانند «کوه جادویی» همان نویسنده کنار گذاشته شد!

گرچه آکادمی نوبل دیگر آن دیدگاه تنگ‌نظرانه «در مسیری آرمانی» را به کناری نهاده از آن خلاص شده بود. در ۱۹۲۱ جایزه نوبل به «آنا تول فرانس» و در ۱۹۲۵ به «جورج برنارد شا» اهدا شد، چیزی که با تعبیر و نگرش ادوار قبلی باورنکردنی می‌نمود و همین تصمیمات و اقدامات نشان از گرایش به انتشار دوستی در حوزه‌ای بسیار وسیع‌تر از قبل و نشانگر دیدگاهی باز، روشن و ژرف

نگاه آرمان‌گرایی خود، می‌دید، در دهه ۱۹۲۰ تصمیم گرفته شده بود که جایزه به نویسندگان شایسته از هر نقطه جهان تعلق گیرد، اما ابزار اجرای این ایده متعالی در دسترس نبود. در دهه ۱۹۳۰ روی هم رفته از کشورهای آسیایی به تعداد قابل انتظار نامزدی برگزیده نشد و اصولاً نظام قابل قبول و مستدلی جهت بررسی و گزینش شایسته‌ترین نویسنده یا شاعر از هر نقطه جهان که باشد، برای آکادمی پذیرفته و تنظیم نشده بود.

بالاخره، در ۱۹۶۸ جایزه ادبیات نوبل به «یاسوناری کاواباتا» اهدا شد، که حاکی از پذیرش دشواری‌های متعدد قضاوت در ادبیات زبان‌های غیر اروپایی بود.

گرچه «گیلنستن» در ۱۹۸۴ اعلام کرد «توجه به نویسندگان و شاعران غیراروپایی به تدریج در حال افزایش و آکادمی در تلاش جدی برای جهانی کردن جایزه نوبل ادبیات است». این اظهار نظر نشان می‌دهد که اهدای جایزه در مدت ۸۴ سال به طوری شایسته و قابل قبولی به نویسندگان مستحق جایزه تعلق نگرفته و «جهانی» نبوده است و تازه همین اظهار نظر جدید گیلنستن هم منطقی به نظر نمی‌رسد، زیرا چنانچه یک نویسنده اروپایی شایسته‌تر از نویسندگان غیراروپایی باشد، چرا باید آن را به غیراروپایی اهدا کنند؟!

به هر حال اهدای جایزه نوبل ادبیات به «وول سوینکا» از نیجریه در ۱۹۸۶ و «نجیب محفوظ» از مصر در ۱۹۸۸ و پس از آن گزینش «نادین گوردیمر» از آفریقای جنوبی، «کنزابورواوئه» از ژاپن، در ۱۹۹۴؛ «دریک والکات» از سن لوئیز واقع در هند غربی، تا «تونی موریسون» و «ژائو زینگجیان»، نخستین چینی برنده نوبل و ... همه و همه حاکی از آن است که مسئله ملیت «دیگر!» در بردن جایزه نوبل ادبیات نقشی نخواهد داشت و این امر بشارت ختم آن ضعف بزرگ و شاید بتوان گفت حق‌کشی‌های قبلی است.

با گذشت زمان و تلاش نسبی بنیاد نوبل در برکنار بودن از سمت و سوی سیاسی جایزه؛ بالاخره در ۱۹۸۱ نوبل ادبیات به «الیاس کانتی» و پس از آن در ۱۹۸۲ به «پیشگام رئالیسم جادویی» از آمریکای لاتین یعنی «گابریل گارسیا مارکز» تعلق

نوبل منجر به برنده شدن تعدادی از افراد بزرگ مثل «هسه»، «آندره ژید»، «ت. س. الیوت» و «ویلیام فاکنر» گردید.

«سرزمین سترون»، سروده الیوت و «اولیس» اثر جویس به عنوان آثار پیشگام در تحولات ادبی آینده مورد تحسین قرار گرفت. نگاه به نوآوری مانند «سن ژان پرس» در ۱۹۶۰ و «ساموئل بکت» و نظایر آنان در ۱۹۶۹ تا به امروز دنبال شده است. از آن پس به آثار پیشروان زمینه زبان‌شناسی عطف توجه شد.

«نجیب محفوظ»، «کامیلو خوزه سلا» و «ژائو زینگجیان» که: «راه‌های نوینی برای نمایش چینی گشوده بود» از جمله برندگان جایزه نوبل ادبیات شدند.

با شروع دبیری «گیلنستن» مباحثات دوباره در حوزه «نفع بشر» مجدداً مد نظر قرار گرفت و توجه به نویسندگان بزرگ که پیش از آن مورد غفلت واقع شده بودند، افزایش چشمگیری یافت، و به گزینش نویسندگانی چون «رابیندرانات تاگور» در ۱۹۱۳ انجامید. این خطمشی تا اوایل دهه ۱۹۷۰ ادامه یافته تحول اساسی دیگری رخ نمود؛ اما از ۱۹۷۸، به بعد نگرش بنیاد نوبل دگرگون شد که این تغییر نگاه در اهدای جایزه نوبل ادبیات به «ایزاک باشویس سینگر»، «اودیسیوس الیتیس»، «الیاس کانتی» و «یاروسلاف سیفرت» خود را به طور آشکاری نشان داد.

براساس ملاک جدید به شعر جایگاه ویژه‌ای اختصاص داده شد و بین سال‌های ۹۶ - ۱۹۹۰، دورانی که چهار جایزه از هفت جایزه اهدا شده به شاعرانی مانند «اوکتاویو پاز»، «دریک والکات»، «سیموس هینی» و «ویسلاوا شمبورسکه»، که همگی قبل از دریافت جایزه مزبور برای جهانیان ناشناخته بودند، مؤید این نظریه است.

در دهه ۱۹۸۰ سیاست و خطمشی جدیدی اتخاذ شده به نحو غیرمنتظره‌ای مورد استقبال قرار گرفت. این شیوه تازه تلاشی بود در جهت فهم دقیق و انجام نیات والای نوبل، که واجد افق‌های بین‌المللی بود و ملیت نویسندگان و شاعران نمی‌بایست کوچک‌ترین نقش و تأثیری در نامزدی و دریافت جایزه مزبور داشته باشد؛ اما برخلاف نیات جهان شمول نوبل تا آن زمان جایزه نوبل ادبیات تقریباً به جایزه‌ای اروپایی تبدیل شده بود و این واقعیت با نیات واقعی نوبل در تضاد بود و فرسنگ‌ها با آن فاصله داشت!

«ورسن» فقط چهره‌های بزرگ ادبیات اروپا را، آن هم از



نقد بین‌المللی جایزه نوبل ادبیات تنها به تصمیمات و امور قرن اول اهدا جایزه پرداخته و روی هم رفته به اختلاف نظرات و معیارهای دوره‌های گوناگون چندان توجهی نکرده حتی تجدیدنظر در اختلافاتی که مثلاً در ۱۹۵۰ هیأت نوبل با «ورسن» داشته را هم به بوته فراموشی سپرده است. جوایز اولیه، سانسور، گزینش‌های نامناسب و حذف خشن شایستگان مورد ارزیابی قرار گرفته، مثلاً بجای «سولی پرودوم»، «اویکن» و «هسه» جایزه باید به نویسندگان شایسته‌تری مانند «تولستوی»، «ایبسن» و «هنری جیمز» داده می‌شد؛ بنابراین می‌توان گفت که مسئولین آکادمی در آن زمان «شایسته» این کار سترگ نبوده، بنیاد مزبور عمدتاً به «خاکریزی» در مقابل ادبیات رادیکال حتی برای نویسندگان سوئدی تبدیل شده از شایستگی داشتن جایگاه رفیع هیأت ژوری بین‌المللی برای اهدای جایزه مزبور بی‌اندازه فاصله داشته است.

تنها در دهه ۱۹۴۰ بود که با انتخاب «آندرسن اوسترلینگ» به عنوان دبیر بنیاد نوبل، آکادمی مزبور تا حدودی ترمیم و بازسازی شد. گرچه باید اعتراف کرد که اعمال و رفتار آکادمی مزبور پس از جنگ جهانی دوم قابل ستایش شده است. اعتراضات سنوات اخیر معمولاً کمتر به بخش ادبیاتی آثار پرداخته، بلکه بیشتر به مقاصد و نیت سیاسی جایزه معطوف و متمرکز بوده است. شماتت اروپا محوری آکادمی نیز همیشه مطرح بوده، به ویژه از سوی آسیایی‌ها، البته قبل از گزینش «وول سوینکا» و «نجیب محفوظ».

در آخرین سال اهدا جایزه نوبل یعنی ۲۰۰۶ جایزه مزبور برای نخستین بار به «اورهان پاموک» ترک تعلق گرفت و مقداری از انتقادات آسیائی‌ها کاست. گرچه جنبه‌های سیاسی ارائه جایزه به پاموک از سوی بسیاری مطرح شده است.

شائبه‌های موجود در اهدای جوایز نوبل

۱- شائبه‌های جوایز مشترک:

جایزه نوبل ادبیات فقط بین دو نفر قابل تقسیم است، نه بیشتر. گرچه آکادمی سوئد حتی این امر را نیز محدود کرده است. تقسیم جایزه گاهی به دیده سازش نگریسته می‌شود، مثلاً در مورد «فردریک

گرفت.

بعضی از برندگان جایزه مزبور مانند «ویلیام فاکنر» که نه تنها «بزرگترین نویسنده رمان تجربی در قرن ۲۰» بود، بلکه کمیته نوبل به اهمیت فراوان او در داستان‌نویسی پس از او نیز اشاره نمود. اهدای حیرت‌آور جایزه به «داریو فو» در ۱۹۹۷ را می‌توان نشانی دوگانه پنداشت، زیرا جایزه نوبل ادبیات به یک گونه ادبی تعلق گرفته بود که پیش از آن به طور کامل به بوته فراموشی سپرده شده بود.

این تعبیر بزرگوارانه از عبارت «در مسیری آرمانی» در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نیز تداوم یافت و آفرینندگان ادبیات «جدی‌تر» شایسته جایزه تشخیص داده شدند، چیزی که دانش شرایط و تحمل انسان در غنابخشی به حیات را توسعه می‌بخشد.

نامزدی و برنده شدن «کامیلو خوسه سلا» یکبار دیگر اصل مزبور را به بوته آزمایش نهاد. نگرش تیره او از جهان چیزی شبیه به نگرش «ساموئل بکت» بوده، جایزه به خاطر «نثر غنی و فشرده، که با فرم‌های مشفقانه پالوده، تصویر چالش‌طلبانه‌ای از آسیب‌پذیری بشر را شکل می‌دهد» به خوسه سلا اهدا شد! همانطور که آهنلود، نماینده بنیاد نوبل اعلام کرد: آثار «سلا»، به هیچ وجه، از همدردی با احساسات عام بشری تهی نیست، مگر آنکه متوقع باشیم این احساسات با واژگانی ساده و به شیوه روشن و عامه فهم بیان شده باشد.

وجود کمی خواننده، نقش مهمی در آثار مورد بررسیِ اخیر آکادمی ایفا کرده است.

۲ - شائبه‌های سیاسی

جایزه نوبل ادبیات غالباً، بویژه، در طی جنگ سرد سبب بروز و رشد شائبه‌هایی در سیاسی بودن آن شده در مقابل آکادمی سوئد نیز به نوبه خود، بارها از بدبینی‌های سیاسی اعلام برائت کرده است.

به بیان «گیلنستن» (Gyllensten)، اهدای جایزه از «شائبه‌های سیاسی» منزّه است، اما این اظهار نظر هیچگاه درست درک نشده، بویژه درک استقلال آکادمی در مقابل دولت آن کشور در ذهنیت شرقیان همیشه امر دور از ذهنی بوده است، زیرا در آن کشورها چنین امری بسیار بعید و باورنکردنی می‌نماید، اما واقعیت این است که آکادمی مزبور هیچ‌گونه اعانه یا کمک مالی از حکومت دریافت نکرده و نمی‌کند، و به همین علت دولت سوئد نمی‌تواند دخالت یا نقشی در امور اهدای جایزه توسط آکادمی داشته باشد؛ از طرف دیگر دولت نیز به نوبه خود، از این که خارج از گود جایزه قرار دارد راضی و خشنود است، زیرا این جایزه همیشه حرف و حدیث‌های ویژه خود را داشته است.

البته طبیعی است که هر جایزه جهانی، آن هم به عظمت جایزه نوبل ادبیات، شائبه‌ها و حتی جنبه‌های سیاسی داشته باشد، گرچه لازم است بین تأثیر سیاسی از سویی و مقاصد سیاسی از طرف دیگر تفاوت قائل شد. شکل نخست، یعنی شائبه‌ها و شایعات اجتناب‌ناپذیر و اغلب غیرقابل پیش‌بینی است، شکل دوم یعنی مقاصد سیاسی، صریحاً از سوی آکادمی نوبل تحریم شده است. این تمایز، و همچنین خودمختاری و استقلال آکادمی توسط تاریخچه اهدای جایزه تا قبل از گزینش «سولژنیتسین» قابل ارائه و اثبات است.

با ملاحظه عواقب غم‌انگیز پیش آمده برای «بوریس پاسترناک» به علت دریافت جایزه مزبور، «کارل راگنار گیهِ رو»، (Karl-Ragnar Gierow) گامی غیرعادی برداشته به صراحت مقاصد اثرگذاری سیاسی در اهدای جایزه را رد کرد.

هنگامی که قرار شد جایزه نوبل ادبیات به «سولژنیتسین» اهدا شود، دبیر کل آکادمی نوبل، «کارل راگنار گیهِ رو» با نوشتن نامه‌ای به سفیر سوئد در مسکو به نام «گونار یارینگ» خواست از وضعیت «سولژنیتسین» اطلاعاتی کسب

میسترال» و «خوزه اچگاری» در ۱۹۴۰، «کارل گلوپ» و «هنریک پونتوپیدان» در ۱۹۱۶، همین توهم پیش آمد.

جایزه مشترک این شبهه را نیز در اذهان ایجاد می‌کند که هر برنده جایزه صرفاً به اندازه نصف شایستگی آن را داشته است و به همین دلیل جایزه بین دو نفر تقسیم شده است. لذا تقسیم جایزه بین دو نویسنده یا شاعر از ۱۹۱۶ به بعد انگشت‌شمار بوده است، به طوری که جایزه مزبور فقط در ۱۹۶۶ بین «اشموئیل یوسف آگنون»، و «نلی زاکس»، و در ۱۹۷۴ بین «اُئویند یونسون» و «هری مارتینسون» تقسیم شد.

در دهه ۱۹۷۰ سیاست جدیدی اتخاذ شد مبنی بر این که (۱) هر یک از نامزدهای دریافت مشترک جایزه باید به تنهایی شایستگی بردن جایزه را داشته باشند و (۲) لازم است بین دو برنده وجوه اشتراکی وجود داشته باشد تا عمل اهدا آن به دو برنده را توجیه نماید. مورد اخیرالذکر، بدون تردید، الزاماً مانعی اساسی بر سر راه تقسیم جایزه ایجاد نمود.

در آکادمی سوئد توان زبان‌شناختی قاعدتاً خیلی بالاست. بررسی آثار زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و آلمانی با هیچ مشکلی مواجه نیستند. بسیاری از اعضای آکادمی از مترجمین درجه اول زبان اسپانیولی و ایتالیایی‌اند. همچنین مستشرقین بنامی نیز در آکادمی مزبور برای خود جایگاهی یافته‌اند.

یکی از آنان به نام **ایسائیس تگنر پسر Esaias tagner, jr**، قادر بود آثار تاگور را به زبان بنگالی مطالعه کند. (هرچند به مطالعه ترجمه انگلیسی تاگور از گیتانجالی اکتفا شد).

دیگری **ه. س. نایبرگ (H.S.Nyberg)** می‌توانست ادبیات عرب را به درستی گزارش نماید.

در ۱۹۸۵ «گوران مالکویست» یکی از ماهرترین متخصصین غرب در زبان و ادب چینی مدرن، عضو آکادمی مزبور شد. آکادمی فعلی نوبل توانایی بررسی صحیح آثار زبان روسی را نیز دارد.

بالتر از همه موارد مزبور درجه رسیدگی دقیق به آثار زبان‌های آلمانی و السنه ناحیه اسکاندیناوی نیز بوسیله متخصصین این رشته‌ها افزایش یافته است و ترجمه‌های ویژه‌ای نیز از زبان‌های مختلف در دست انجام است. چنان نسخه‌ای در موارد متعددی، با



که اهدای جایزه را صرفاً امری ادبی در نظر بگیرند نه سیاسی، اما عکس‌العمل‌های بسیار از مناطق مختلف که چنان برداشتی ناموجه بوده است، گرچه شاید اکنون بتوان به آسانی به صحت تصمیم آکادمی مبنی بر سخنوری و جایگاه او در تاریخ‌نگاری پی برد. «سزاری که موهبت قلم «سیسرو»، خطیب معروف رومی را نیز داشته است». بنابراین نمی‌توان آکادمی مزبور را متهم به بهره‌برداری سیاسی از اهدای جایزه مزبور نمود.

به علت حساسیت‌های سیاستمداران کشورها و بویژه مطبوعات و رسانه‌های جمعی دیگر همیشه شائبه‌ها و ملاحظات سیاسی در مورد جایزه نوبل ادبیات و دیگر جوایز بنیاد نوبل وجود داشته است؛ مثلاً در مورد **سینگر - میلوش - کانتی - سیفرت** و ... روزنامه‌ها غوغایی به راه انداختند و در همین اواخر (۲۰۰۶) مجدداً شائبه سیاسی بودن اهدای جایزه نوبل ادبیات به اورهان پاموک ترک بالا گرفته است. از طرف دیگر باید این نکته را همیشه به خاطر داشت که بنیاد نوبل نمی‌تواند به همه افراد لایق در این رشته جایزه اهدا کند. پس حکایت شائبه‌های مختلف همچنان باقی خواهد ماند. همانطور که «**اوسترلینگ**» گفت: «کارنامه جایزه ادبی نوبل در پنجاه سال نخست نسبتاً منصفانه و پذیرفتنی بود، و در نیمه دوم نیز نمرات بهتری گرفته است». برندگانی مانند **هوپتمان، تاگور، آنا تول فرانس، بیتس، برنارد شا و توماس مان** صحت گفته‌های «**اوسترلینگ**» را ثابت می‌کند.

با بررسی مجموعه برندگان نوبل بویژه پس از ۱۹۵۰ به نظر می‌رسد تأثیر مقاصد و اهداف سیاسی در اهدای جایزه نسبتاً کم‌رنگ بوده و همه برندگان، به میزان بالنسبه قابل قبولی، شایستگی دریافت آن را داشته‌اند.

متأسفانه هیچ‌یک از نویسندگان برجسته کشور عزیزمان ایران هنوز برنده جایزه نوبل ادبیات نشده‌اند. امیدواریم نوبت اهدای جایزه به خالقان آثار ادبی بزرگ ما نیز فرا رسد. چون ادبیات ما حقیقتاً یکی از بی‌نظیرترین نوع خود در جهان است.

کند، و در آن نامه بر این نکته تأکید کرد که هدف صرفاً کسب اطلاعات درباره شرایطی است که ممکن است اهدای جایزه بر شخص «**سولژنیتسین**» به وجود آورد. **یاریینگ** پاسخ اطمینان بخشی داد (که معلوم شد چندان هم ناظر به حوادث آینده نبوده)، اما او پیام دیگری نیز داشت و خواستار به تعویق افتادن اهدای جایزه به «**سولژنیتسین**» شد و به **اوسترلینگ** نوشت که اهدای جایزه به شخص مزبور «منجر به مشکلاتی در روابط ما با اتحاد جماهیر شوروی خواهد شد» او این جواب را دریافت کرد: «آری ممکن است چنین شود اما همگی ما به این جمع‌بندی رسیده‌ایم که «**سولژنیتسین**» شایسته‌ترین نامزد دریافت جایزه است.»

مبادله این نامه‌ها یک اصل اساسی را روشن می‌کند: آکادمی توجهی به آنچه در نظر وزرات خارجه سوئد دلخواه باشد کاری ندارد، بلکه صرفاً نگران عواقب ناخوشایندی است که ممکن است برای برنده جایزه پیش آید.

در تاریخ جایزه ادبیات نوبل اهدای آن به **چرچیل** این توازن ظریف را در معرض خطر قرار داد؛ وقتی پس از سال‌ها بحث و جدل بالاخره در سال ۱۹۵۳ تصمیم به اهدای جایزه نوبل ادبیات به «**وینستون چرچیل**» گرفته شد، از بهره برداری وی از آن در مسائل جنگ به اندازه لازم فاصله افتاده بود و احتمال قوی داشت

جدول برندگان جایزه نوبل ادبیات

از ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۶ م.

سال	نام برنده نوبل ادبیات	علت اهدا (از نظر بنیاد نوبل)	آثار
۲۰۰۶	Orhan Pamuk اورهان پاموک ترک رمان‌نویس (۱۹۵۲ - ...) 	Who in the quest for the melancholic soul of his native city has discovered new symbols for the clash and interlacing of cultures . کسی که در جست‌وجوی روح مآلخولیایی شهر زادگاهش [استانبول] نمادهای نوینی برای کشمکش‌ها و درهم‌بافتگی فرهنگ‌ها یافته است.	۱. رمان سوئت بیک و پسرانش (۱۹۸۲) ۲. رمان خانه خاموش (۱۹۸۳) ۳. رمان دژ سفید (۱۹۸۵) ۴. سیاحتی پنهان (فیلمنامه) (۱۹۹۰) ۵. کتاب سیاه (۱۹۹۰) ۶. رمان زندگی نو (۱۹۹۵) ۷. رمان نام من قوز است (۱۹۹۸) ۸. از رنگ‌های دیگر (۱۹۹۹) ۹. رمان برف (۲۰۰۲) ۱۰. استانبول: خاطره‌ها و شهر (۲۰۰۳)
۲۰۰۵	Harold Pinter هارولد پینتر انگلیسی نمایشنامه‌نویس (۱۹۳۰ - ...) 	Who in his plays uncovers the precipice under everyday prattle and forces entry into oppression's closed rooms. کسی که در نمایشنامه‌هایش از یسوتکاه روزمرگی کودکانه پرده بر می‌دارد و مجور ورود به مجالس ستمدگی را تحت فشار قرار می‌دهد.	۱. درد مختصر و نمایشنامه‌های دیگر (۱۹۵۹) ۲. جشن تولد و نمایشنامه‌های دیگر (۱۹۶۰) ۳. سرایدار (۱۹۶۰) ۴. کلکسیون و عاشق (۱۹۶۳) ۵. بازگشت به خانه (۱۹۶۵) ۶. مهمانی جای و نمایشنامه‌های دیگر (۱۹۶۷) ۷. چشم‌انداز (۱۹۶۹) ۸. در ایام قدیم (۱۹۷۱) ۹. گورخانه (۱۹۸۰) ۱۰. خاطرات وقایع گذشته (۲۰۰۰)
۲۰۰۴	Elfriede Jelinek افریده یلینک اتریشی شاعر / رمان‌نویس (۱۹۴۶ - ...) 	For her musical flow of voices and counter-voices in novels and plays that with extraordinary linguistic zeal reveals the absurdity of society's clichés and their subjugating power. بخاطر روانی آواهای خنیاگرانه و یاد آواهای او در رمان‌ها و نمایشنامه‌هایی که با شور و شوق فوق‌العاده‌ای زبان‌شناختی، پوچی کلیشه‌های موجود جامعه و نیروی رام‌کننده آنها را آشکار می‌سازد.	۱. اشتیاق شدید (۱۸۹۸) ۲. لیزا شانن (۱۹۶۷) ۳. کودک (۱۹۷۰) ۴. زنان عاشق (۱۹۷۵) ۵. ایام بغایت شگفت‌انگیز (۱۹۸۰) ۶. معلم پینو (۱۹۸۳) ۷. کلارا، سی (۱۹۸۴) ۸. بسیاری زنان امروز (۱۹۸۷) ۹. مایلتا (فیلمنامه) (۱۹۹۱) ۱۰. کار (۲۰۰۳)

<p>۱. سرزمین های تیره (۱۹۷۴) ۲. در قلب کشور (۱۹۷۷) ۳. در انتظار بیگانگان (۱۹۸۰) ۴. زندگی و عصر مایکل. ک (۱۹۸۳) ۵. دشمن (۱۹۸۶) ۶. عصر آهن (۱۹۹۰) ۷. ارباب پلزنبورگ (۱۹۹۴) ۸. دوران کودکی (۱۹۹۷) ۹. رسوایی (۱۹۹۹) ۱۰. جوانی (۲۰۰۲)</p>	<p>Who in innumerable guises portrays the surprising involvement of the outsider.</p> <p>کسی که به شکل‌های بیشماری گسرفخاری حیرت‌آور انسان بیگانه را به تصویر می‌کشد.</p>	<p>John Maxwell Coetzee جان مکسول کوئتزی لغویقای جنوبی رمان‌نویس (۱۹۳۰ - ...)</p> 	<p>۲۰۰۲</p>
<p>۱. بی سرنوشت (۱۹۷۵) ۲. راه یاب لیلند (۱۹۷۷) ۳. انگار (۱۹۸۸) ۴. ناکامی (۱۹۸۸) ۵. ندیده برای فرزند به دنیا نیامده (۱۹۹۰) ۶. پرچم انگلیس (۱۹۹۱) ۷. خاطرات اعمال شافه (۱۹۹۲) ۸. زمین نمید (۲۰۰۱) ۹. واریزی (۲۰۰۳) ۱۰. بی سرنوشتی به انگلیس (۲۰۰۴)</p>	<p>For writing that upholds the fragile experience of the individual against the barbaric arbitrariness of history.</p> <p>به پاس نوشته‌هایی که از تجربیات آسیب‌پذیر فردی در برابر افسارگسیختگی بربریت تاریخ پاسداری می‌کند.</p>	<p>Imre Kertész اِمره کرتش کرتس مجارستانی رمان‌نویس (۱۹۲۹ - ...)</p> 	<p>۲۰۰۳</p>
<p>۱. خانه‌ای برای آقای بیسواز (۱۹۶۱) ۲. مردان پوشالی (۱۹۶۷) ۳. در سرزمین آزاد (۱۹۷۱) ۴. پارئیزان‌ها (۱۹۷۵) ۵. شیر خم رود (۱۹۷۹) ۶. خلواتدن و نوشتن (۲۰۰۰) ۷. نیمه زندگی (۲۰۰۱) ۸. نویسنده و جهان (مجموعه مقالات) (۲۰۰۲) ۹. پلرهای سحرآمیز (۲۰۰۲) ۱۰. مناسبت‌های ادبی (مقاله) (۲۰۰۳)</p>	<p>For having united perceptive narrative and incorruptible scrutiny in works that compel us to see the presence of suppressed histories.</p> <p>به خاطر وحدت‌بخش بین ادراک ژرف روایی و نگاه موشکافانه ناهم‌ناپذیر در آثاری که ما را به مشاهده سوابق سرکوبگری ملزم می‌کند.</p>	<p>V.S. Naipaul وی.س. نایپول ترینیدادی - انگلیسی نویسنده داستان کوتاه و رمان (۱۹۳۲ - ...)</p> 	<p>۲۰۰۱</p>
<p>۱. بحث مقدماتی درباره هنر مدرن داستانسرای (۱۹۸۱) ۲. علامت هشدار (۱۹۸۲) ۳. ایستگاه انوبوس (۱۹۸۳) ۴. آدم وحش (۱۹۸۵) ۵. کمپوتری به نام منقرسوخ (۱۹۸۵) ۶. مجموعه آثار نمایشی (۱۹۸۵) ۷. ساحل دیگر (۱۹۸۶) ۸. فراریان (۱۹۹۳) ۹. کوه روح (۱۹۹۹) ۱۰. کتاب انجیل یک مرد (۲۰۰۲)</p>	<p>For an oeuvre of universal validity, bitter insights and linguistic ingenuity, which has opened new paths for the Chinese novel and drama.</p> <p>به خاطر آثار معتبر جهانی، نبوغ زبان‌شناختی و بهسیرت دردآلودی که راه‌های نویسی برای رمان و نمایشنامه چینی گشوده است.</p>	<p>Gao Xingjian زائو زینگ جیان فرانسوی چینی الاصل نمایشنامه‌نویس (۱۹۳۰ - ...)</p> 	<p>۲۰۰۰</p>

<p>۱. طبل حلبی (۱۹۵۹) ۲. موش و کره (۱۹۶۱) ۳. سال‌های سگی (۱۹۶۳) ۴. چهار نمایشنامه (۱۹۶۷) ۵. ملاقات در تلگه (۱۹۸۱) ۶. درد دولت و یک ملت (۱۹۹۰) ۷. لولای لوک (۱۹۹۲) ۸. گشتزار وسیع (۱۹۹۵) ۹. قرن من (۱۹۹۹)</p>	<p>Whose frolicsome black fables portray the forgotten face of history.</p> <p>کسی که افسانه‌های جساده‌گرانه نساد و خرم [لو] چهیره فراموش‌شده تاریخ را به تصویر می‌کشد.</p>		<p>Gunter Grass گونتر گراس آلمانی نویسنده داستان کوتاه و رمان (... - ۱۹۲۷)</p>	<p>۱۹۹۸</p>
<p>۱. کشور گناه (۱۹۴۷) ۲. بالتازار و بلیوندا (۱۹۸۲) ۳. بلم سنگی (۱۹۸۶) ۴. بی بنسیرتی (۱۹۹۵) ۵. تاریخ اشغال لیبون (۱۹۹۶) ۶. غروشندهای (۱۹۹۷) ۷. همه نامها (۱۹۹۹) ۸. قصه جزیره ناشناخته (۱۹۹۹) ۹. سفر به پرتغال (۲۰۰۰) ۱۰. غار (۲۰۰۲)</p>	<p>Who with parables sustained by imagination compassion and irony continually enables us once again to apprehend an elusory reality .</p> <p>کسی که با تمثیلات تقویت شده با تخیل، شفقت و کنایات، یک بار دیگر ما را به درک واقعیتی زیرفهم می‌رساند.</p>		<p>Jose Saramago خوزه ساراماگو پرتغالی رمان‌نویس (... - ۱۹۲۲)</p>	<p>۱۹۹۸</p>
<p>۱. فرشتگان قماربازی نمی‌کنند (۱۹۶۰) ۲. نمایشنامه میسترو یوفو (۱۹۷۳) ۳. مرگ اتفاقی یک انارشیست (۱۹۷۳) ۴. قسمت زنان (۱۹۸۱) ۵. افسانه پلنگ (۱۹۸۴) ۶. پاپ و ساحره (۱۹۸۹) ۷. زن تنها و نمایشنامه‌های دیگر (۱۹۹۱) ۸. نمایشنامه‌ها (۳ جلد) (۱۹۹۷) ۹. تجرل دهقانان (۲۰۰۳) ۱۰. اولین ۷ سال (۲۰۰۵)</p>	<p>Who emulates the gestures of the Middle Ages in scourging authority and upholding the dignity of the down-trodden .</p> <p>کسی که در نیش و کتابه زدن به حاکمان و حمایت از انسان‌های متکوب‌شده از دلقکان قرون وسطی (تیرا) پستی می‌گیرد.</p>		<p>Dario Fo داریو فو ایتالیایی نمایشنامه‌نویس (... - ۱۹۲۶)</p>	<p>۱۹۹۷</p>
<p>۱. به این علت زنده ایم (۱۹۴۵) ۲. برای همان زنده ایم (ترجمه) (۱۹۵۳) ۳. سوالاتی از خویشتن (۱۹۵۴) ۴. نمک (۱۹۶۳) ۵. اولاحساس فکر (مجموعه اشعار) (۱۹۸۱) ۶. مردم روی یل (۱۹۹۰) ۷. آغاز و پایان (۱۹۹۳) ۸. افسانه معجزه (اشعار منتخب) (۲۰۰۱) ۹. لحظه (۲۰۰۳)</p>	<p>For poetry that with ironic precision allows the historical and biological context to come to light in fragments of human reality.</p> <p>به پاس انعاری که با موشکافی طنزآمیزی مضامین حماسی و تاریخی واقعات بشری را روشن می‌کند.</p>		<p>Wisława Szymborska ویسلاوا شیمبورسکه ایرلندی شاعر (... - ۱۹۲۳)</p>	<p>۱۹۹۶</p>

<ol style="list-style-type: none"> ۱. مرگ ناتورالیست (۱۹۶۶) ۲. روزنهایی به تاریکی (۱۹۶۹) ۳. شمالگان (۱۹۷۵) ۴. شمال (شعر) (۱۹۷۵) ۵. شیدایی‌ها (۱۹۸۰) ۶. گمراهی سوئیس (۱۹۸۲) ۷. فانوس برجین (۱۹۸۷) ۸. دولت زبان (مقالات) (۱۹۸۸) ۹. اصلاح شعر (۱۹۹۵) ۱۰. تراز روح (۱۹۹۶) 	<p>For works of lyrical beauty and ethical depth which exalt everyday miracles and the living past.</p> <p>به خاطر آثار زیبای تفرکی و زرفای اخلاقی آنها، که اعجاز زندگی حال و حیات گذشته را می‌ستاید.</p>	<p>Seamus Heaney سیموس هینی ایرلندی شاعر (- - ۱۹۳۹)</p> 	<p>۱۹۹۵</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. مردگان ولخرجند (۱۹۵۷) ۲. بره کشی (۱۹۵۸) ۳. جوانی که دیر آمد (۱۹۶۱) ۴. موضوع شخصی (۱۹۶۴) ۵. یادداشت‌های هیروشیما (۱۹۶۵) ۶. فریاد خاموش (۱۹۶۷) ۷. روح طوفانی (۱۹۷۳) ۸. شگفتی‌های جنگل (۱۹۸۶) ۹. نامه‌هایی به سال‌های آندوه (۱۹۸۹) ۱۰. روز بزرگ (۱۹۹۵) 	<p>Who with poetic force creates an imagined world , where life and myth condense to form a disconcert -ing picture of the human predicament today.</p> <p>کسی که با قدرت شاعرانه جهانی تخیلی می‌آفریند که در آن حیات و اسطوره جهت ساخت تصویر درهمی از مخصوصه‌های بشر امروز در هم ادغام می‌شوند.</p>	<p>Kenzaburo Oe کنزابورو اوئه ژاپنی / رمان‌نویس (- - ۱۹۳۵)</p> 	<p>۱۹۹۲</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. آبی‌ترین چشم (۱۹۷۰) ۲. سولا (۱۹۷۳) ۳. سرود سلیمان (۱۹۷۷) ۴. معشوق (۱۹۷۸) ۵. کودک قبری (۱۹۸۱) ۶. فردوس برین (۱۹۹۸) ۷. جاز (۱۹۹۲) ۸. بازی در تاریکی (۱۹۹۲) ۹. عشق (۲۰۰۳) ۱۰. شیر یا موش (۲۰۰۳) 	<p>Who in novels characterized by visionary force and poetic import, gives life to an essential aspect of American Reality.</p> <p>کسی که در رمان‌هایی با ویژگی تخیل نیرومند و الهام و مهبستی شاعرانه به یک جنبه اساسی واقعیت آمریکایی جان می‌بخشد.</p>	<p>Toni Morrison تونی مورسون آمریکایی رمان‌نویس (- - ۱۹۳۱)</p> 	<p>۱۹۹۳</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. در شمس سبز (دیوان اشعار) (۱۹۶۲) ۲. رؤیای میمون کوهستان (۱۹۶۷) ۳. زندگی دیگر (۱۹۷۳) ۴. پانتومیم (۱۹۷۸) ۵. مسافر خوش اقبال (۱۹۸۱) ۶. سه نمایشنامه (۱۹۸۶) ۷. گورنوشته برای جوانان (۱۹۹۴) ۷. آنچه شفق می‌گوید (۱۹۹۸) ۸. تریلوزی هائیتی (۲۰۰۲) ۹. ولخرج (۲۰۰۳) 	<p>For a poetic oeuvre of great luminosity sustained by a historical vision , the outcome of a multi-cultural commitment.</p> <p>بخاطر مجموعه اشعار فوق‌العاده درخشان، سرچشمه گرفته از یک پیش تاریخی، که نتیجه احساس تعهد [ایشان] به چندفرهنگی است.</p>	<p>Derek Walcott دریک والکات سن‌لویزی (هند غربی) شاعر (- - ۱۹۳۰)</p> 	<p>۱۹۹۲</p>


<ol style="list-style-type: none"> ۱. نهای فریبده شیطان (۱۹۵۲) ۲. جهان بورژوازی اخیر (۱۹۶۶) ۳. مهمان شریف (۱۹۷۱) ۴. محافظه کار (۱۹۷۴) ۵. دختر برگر (۱۹۷۹) ۶. مردم جولای (۱۹۸۱) ۷. ورزش و طبیعت (۱۹۸۷) ۸. ماجراهای پسر (۱۹۹۰) ۹. نوشتن و بودن (۱۹۹۵) ۱۰. تفنگ خانگی (۱۹۹۸) 	<p>Who through her magnificent epic writing has - in the words of Alfred Nobel - been of very great benefit to humanity .</p> <p>کسی که از طریق آثار جهشانی شکوهمند خود - به قول آلفرد نوبل - بهره بزرگی نصیب بشریت کرده است.</p>	 <p>Nadine Gordimer نازین گوردیمر افریقای جنوبی رمان نویس (- - ۱۹۲۳)</p>	<p>۱۹۹۱</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. مجموعه اشعار: ماه وحشی (۱۹۳۳) ۲. هزار توی تنهایی (۱۹۵۰) ۳. سنگ آفتاب (۱۹۵۷) ۴. پلانکو (۱۹۶۷) ۵. دامنه شرقی (۱۹۶۹) ۶. عقاب / خورشید (۱۹۷۶) ۷. بوزینه نحوی (۱۹۸۱) ۸. مجموعه اشعار (۱۹۸۱) ۹. بهترین های لوکتاویو پاز (۱۹۸۹) ۱۰. آزادی به قید کلام (۱۹۹۴) 	<p>For impassioned writing with wide horizons ,Characterized by sensuous intelligence and humanistic integrity.</p> <p>به پاس آثار شورانگیز، با افق های وسیعی که زیرکی سرشار از احساس و کمال بشردوستانگی از وجوه مشخصه آنهاست.</p>	 <p>Octavio Paz لوکتاویو پاز مکزیک شاعر و مقاله نویس (۱۹۱۴ - ۱۹۹۸)</p>	<p>۱۹۹۰</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. خانواده پاسکوال دولانه (۱۹۴۴) ۲. ابرهای گلرزان (۱۹۴۵) ۳. کندو (۱۹۵۱) ۴. قهوه خانه هنرمندان (۱۹۵۳) ۵. مقربان، یهودیان و مسیحیان (۱۹۵۶) ۶. آسیاب بادی و داستان های دیگر (۱۹۵۶) ۷. مارپاساینا (۱۹۶۷) ۸. مراسم ظلمات (۱۹۷۳) ۹. رقص مازورکا برای مردگان (۱۹۸۳) ۱۰. مسیح در مقابل آریزونا (۱۹۸۸) 	<p>For a rich and intensive prose , which with restrained compassion forms a challenging vision of man's vulnerability.</p> <p>به خاطر نثری غنی و فشرده، که با قدرمهای مشفقانه پالوده ای تصویر چالش طلبانه ای از آسیب پذیری بشر را شکل می دهد.</p>	 <p>Camilo Jose Cela کامیلو جوزه سلا اسپانیایی رمان نویس (۱۹۱۶ - ۲۰۰۲)</p>	<p>۱۹۸۱</p>
<ol style="list-style-type: none"> ۱. رادویبان (۱۹۴۴) ۲. کوچه میثاق (۱۹۴۷) ۳. کتاب سه بخش قاهره (۱۹۵۶-۵۷) ۴. شکرخانه (۱۹۵۶-۵۷) ۵. بین القصرین و قصر شوق (۱۹۵۶ - ۵۷) ۶. کودکان جیلاوی (۱۹۵۹) ۷. دزد و سگها (۱۹۶۱) ۸. گفتار کوتاهی در باب رود نیل (۱۹۶۶) ۹. سمیر آمار (۱۹۶۷) ۱۰. بلترچین پائیز (۱۹۶۷) 	<p>Who, through works rich in nuance-now clear-sightedly realistic , now evocatively ambiguous has formed an Arabian narrative art that applies to all mankind.</p> <p>کسی که در آثارش با شغای سایه روشن ها به مثرزی روشن واقع بینانه و در عین حال به نحو برانگیزاننده ای پیچیده - هنر روایی زبان عربی را در خور شان نوع بشر شکل داده است.</p>	 <p>Naguib Mahfouz نجیب محفوظ مصری رمان نویس (۱۸۹۳ - ۱۹۶۰)</p>	<p>۱۹۸۸</p>

<p>۱. مجموعه اشعار (در کلچین های ادبی) (۱۹۶۷) ۲. اشعار برگزیده (۱۹۷۳) ۳. اشعار منتخب (۱۹۷۳) ۴. اشعار منتخب به زبان انگلیسی (۱۹۷۴) ۵. مجموعه اشعار : اقسام کلام (۱۹۸۰) ۶. تاریخ قرن بیستم (۱۹۸۶) ۷. کمتر از یک (۱۹۸۶) ۸. به اورشیا (۱۹۸۸) ۹. الهه نجوم (۱۹۸۸) ۱۰. مد آب (۱۹۹۲)</p>	<p>For an all-embracing authorship, imbued with clarity of thought and poetic intensity.</p> <p>به خاطر نویسندگی جامع الاطراف، مزین به شفافیت اندیشه و شورمندی شاعرانه.</p>	<p>Joseph Brodsky جوزف برادسکی آمریکایی / روسی الاصل شاعر مقالهنویس (۱۹۹۶ - ۱۹۲۰)</p>  <p style="text-align: right;">۱۹۸۷</p>
<p>۱. رفس جنگل (۱۹۶۲) ۲. شیر و جواهر (۱۹۶۳) ۳. ساکنان مرداب (۱۹۶۳) ۴. محاکمه برادر زرو (۱۹۶۳) ۵. دیلماج ها / افسرین (۱۹۶۵) ۶. چاده (۱۹۶۵) ۷. متخصصین و دیوانگان (۱۹۷۱) ۸. مرگ و مهتر سلطان (۱۹۷۵) ۹. نمایشنامه نولها (۱۹۸۳) ۱۰. از جانب زیا با عشق (۱۹۹۲)</p>	<p>Who in a wide cultural perspective and with poetic overtones fashions the drama of existence.</p> <p>کسی که در چشم‌انداز فرهنگی گسترده و نچوهای دلنشین شاعرانه سرگذشت هستی را شکل می‌دهد.</p>	<p>Wole Soyinka ووله سویینکا (کنی) نیجریه‌ای شاعر نمایشنامه‌نویس (۱۹۳۴ - ...)</p>  <p style="text-align: right;">۱۹۸۶</p>
<p>۱. خاتین (۱۹۴۵) ۲. تقدیس بهار (۱۹۵۴) ۳. علف (۱۹۵۸) ۴. چاده فلاندر (۱۹۶۰) ۵. دزد (۱۹۶۲) ۶. کاخ (۱۹۶۲) ۷. ماجراها (۱۹۶۷) ۸. داستان (۱۹۶۷) ۹. اقلایا (۱۹۸۹) ۱۰. باغ نیات (۲۰۰۱)</p>	<p>Who in his novel combines the poet's and the painter's creativeness with a deepened awareness of time in the depiction of the human condition.</p> <p>کسی که در رمان‌هایش خلاقیت نقاش و شاعر را با هنرهای زرفناکی از زمان در به تصویر کشیدن وضع بشری تلفیق می‌کند.</p>	<p>Claude Simon کلود سیمون فرانسوی رمان‌نویس (۱۹۱۳ - ...)</p>  <p style="text-align: right;">۱۹۸۵</p>
<p>۱. مجموعه اشعار (۱۹۲۱) ۲. آروی امواج (۱۹۲۵) ۳. چه چه بلبل بدآهنگ است ! (۱۹۲۶) ۴. ماه عسل (۱۹۳۸) ۵. شنورها را سر به نیست کن ! (۱۹۳۸) ۶. عبادین خانم بوزنا نسکووا (۱۹۴۰) ۷. ستاره دنباله دار هالی (۱۹۶۷) ۸. شعر بلند ستون طاعون (۱۹۷۷) ۹. نعام زیبایی‌های جهان (خودزیستنامه) (۱۹۸۱) ۱۰. غرق در نور (۱۹۹۲)</p>	<p>For his poetry which endowed with freshness, sensuality and rich inventiveness provides a liberating image of the indomitable spirit and versatility of man.</p> <p>به پاس اشعاری سرشار از شادایی، احساس و غنای ابداع که تصویر رهایی‌بخش روح تسلیم‌ناپذیر و چند بعدی بشر را روشن کرده است.</p>	<p>Jaroslav Seifert یاروسلاف سیفرت چکسلواکی شاعر (۱۹۸۶ - ۱۹۰۱)</p>  <p style="text-align: right;">۱۹۸۳</p>

<p>۱. سالار مگس‌ها (۱۹۵۵) ۲. مارتین گوش بر (۱۹۵۶) ۳. سقوط آزاد (۱۹۵۹) ۴. مناره (۱۹۶۴) ۵. هرم (۱۹۶۷) ۶. انگلوساکسون (۱۹۷۰) ۷. خدای عقرب (مجموعه سه داستان کوتاه) (۱۹۷۱) ۸. ناریکی قابل رؤیت (۱۹۷۹) ۹. آئین سفر (۱۹۸۰) ۱۰. هدف متحرک (نمایشنامه) (۱۹۸۲)</p>	<p>For his novels which, with the perspicuity of realistic Narrative art and the diversity and universality of myth, illuminate the human condition in the world of today.</p> <p>به خاطر رمان‌های او، که با هنر روانی صریح و واقع‌گرایانه، تنوع و جهان‌شمولی اسطوره‌ها، اوضاع و احوال بشر در جهان معاصر را روشن می‌کند.</p>	<p>Sir William Golding سیر ویلیام گلدینگ انگلیسی رمان‌نویس (۱۹۱۱ - ۱۹۹۳)</p> 	<p>۱۹۸۳</p>
<p>۱. مولفان برگ (۱۹۵۵) ۲. ساعت نحس (۱۹۶۲) ۳. حدس‌های تنهایی (۱۹۶۷) ۴. کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد (۱۹۶۸) ۵. ایرنبرای معصوم و داستانهایی دیگر (۱۹۷۲) ۶. پاپایز پدر سالار (۱۹۷۵) ۷. گزارش قتل از پیش اعلام شده (۱۹۸۱) ۸. عشق در سالهای وبا (۱۹۸۵) ۹. زرنال در هزار نوب خویس (۱۹۸۹) ۱۰. زیستن برای گفتن (زندگینامه) (۲۰۰۲)</p>	<p>For his novels and short stories, in which the fantastic and realistic are combined in a richly composed world of imagination reflecting a continent's life and conflicts.</p> <p>به خاطر رمان‌ها و داستان‌های کوتاه‌اش که در آن خیال‌پردازی و واقع‌گرایی در یک دنیای تخیلی، زندگی و کشمکش‌های یک قاره را متکامل می‌کند.</p>	<p>Gabriel Garcia Marquez گابریل گارسیا مارکز کلمبایی رمان‌نویس روزنامه‌نویس و منتقد اجتماعی (۱۹۲۸ - ...)</p> 	<p>۱۹۸۳</p>
<p>۱. جشن عروسی (۱۹۳۳) ۲. کتاب سوزان (۱۹۳۵) ۳. کمدی بطلانت (۱۹۵۰) ۴. خط مرگ (۱۹۵۶) ۵. شاد و قدرت (۱۹۶۰) ۶. غرولای مراکش (۱۹۶۷) ۷. محاکمه دیگر کافکا (۱۹۶۹) ۸. قلمرو انسان (۱۹۷۳) ۹. زبان محفوظات (۱۹۷۷) ۱۰. جای‌های نگاه (۱۹۹۰)</p>	<p>For writing marked by a broad outlook, a wealth of ideas and artistic power.</p> <p>به خاطر نوشته‌هایی که مشخصه آنها دیدگاه گسترده، پهنای اندیشه و قدرت هنر منحصربه‌فرد است و مطالعات ژانرهای مختلف ادبیات و فلسفه است.</p>	<p>Elias Canetti الیاس کانتی بلغاری رمان‌نویس مقاله‌نویس (۱۹۰۵ - ۱۹۹۴)</p> 	<p>۱۹۸۱</p>
<p>۱. اشعار (۱۹۳۰) ۲. رستگاری (۱۹۳۵) ۳. اندیشه اسیر (۱۹۵۳) ۴. دهره ایسا (۱۹۵۵) ۵. قیضه قدرت (۱۹۵۵) ۶. رساله‌ای در باب شعر (۱۹۵۷) ۷. قلمرو بومی (۱۹۵۹) ۸. تاریخ ادبیات لهستان (۱۹۶۹) ۹. سرزمین لوترو (۱۹۷۷) ۱۰. زنگ‌ها در زمستان (مجموعه شعر) (۱۹۷۸)</p>	<p>Who with uncompromising clear-sightedness voices man's exposed condition in a world of severe conflicts.</p> <p>کسی که با روشن‌بینی سازش‌ناپذیر، وضع بی‌پناهی انسان در جهانی مملو از کشمکش‌های شدید را فریاد می‌کند.</p>	<p>Czeslaw Milosz چسلاف میلوش لهستانی شاعر (۱۹۱۱ - ...)</p> 	<p>۱۹۸۰</p>

<p>۱. سروده نامه‌های نو (۱۹۳۵) ۲. آشنایی‌ها (۱۹۳۹) ۳. آراجمند است (۱۹۵۹) ۴. شش و یک شایه درباره آسان (۱۹۶۰) ۵. شورشید شهریار (۱۹۷۱) ۶. درخت روشنایی و زیبایی چهاردهم (۱۹۷۳) ۷. کتاب سرگشاده (مجموعه مقالات) (۱۹۷۴) ۸. ناپیری‌ها (۱۹۷۴) ۹. ملوان کوچک (۱۹۸۶) ۱۰. آنچه عاشق اسم (شعر منتخب) (۱۹۸۶)</p>	<p>For his poetry , which against the background of Greek tradition depicts with sensuous strength and intellectual clear-sightedness modern man's struggle for freedom and creativeness. به خاطر اشعارش، که برخلاف زمینه‌های سنتی یونان، با احساسی قدرتمند و بصیرتی خردورزانه تلاش بشر امروز برای آزادی و ابتکار را نشان می‌دهد.</p>	<p>Odysseus Elytis اودیسیوس الیتیس (اودیسیوس ایودلیس) یونانی شاعر (۱۹۱۱ - ۱۹۹۶)</p> 	<p>۱۹۷۸</p>
<p>۱. شیطان در گورای (۱۹۳۳) ۲. خانواده مشکات (۱۹۵۰) ۳. جمعیل ایله (۱۹۵۷) ۴. چادوگر لوبلین (۱۹۶۱) ۵. شبرده (۱۹۶۳) ۶. دوست کافکا (۱۹۷۰) ۷. دشمنان: یک داستان عشقی (۱۹۷۳) ۸. تاجی از پر (۱۹۷۳) ۹. عشق قدیمی (۱۹۷۹) ۱۰. داستان‌ای کودکان (۱۹۸۶)</p>	<p>For his impassioned narrative art which , with roots in Polish - Jewish cultural tradition , brings universal human conditions to life. به پاس هنر روایی شورانگیزی که ریشه در سنت و فرهنگ یهودی - لهستانی داشته، وضعیت جهانی زندگی را به بشر ارائه می‌کند.</p>	<p>Isaac Bashevis Singer اسحاق باشویس سینگر آمریکایی رمان‌نویس (۱۹۰۴ - ۱۹۹۱)</p> 	<p>۱۹۷۸</p>
<p>۱. مجموعه اشعار آمیتسو (۱۹۲۸) ۲. ویرانی یا عشق (۱۹۳۵) ۳. سایه ی بهشت (۱۹۴۴) ۴. تاریخ قلب (۱۹۵۴) ۵. دینارها (۱۹۵۸) ۶. ربیک قلمرو وسیع (۱۹۶۳) ۷. اشعار مصرفی (۱۹۶۸) ۸. اشعاری در باب کمال (۱۹۶۸) ۹. گفتگوهای بسیرت (۱۹۷۴) ۱۰. نامه‌ها (۱۹۸۶)</p>	<p>For a creative poetic writing which illuminates man's condition in the cosmos and in presentday society, at the same time representing the great re- newal of the tradition of Spanish poetry between the wars. به خاطر نوشتار خلاق شاعرانه‌ای که وضع بشر را در جهان و جامعه معاصر آشکار ساخته، در عین حال تجدید با عظمت سنن شعری اسپانیایی را در بین دو جنگ ارائه می‌کند.</p>	<p>Vicente Alexandre ویسنته آلساندرو اسپانیایی شاعر (۱۸۹۸ - ۱۹۸۴)</p> 	<p>۱۹۷۸</p>
<p>۱. مرد اویزان (۱۹۴۴) ۲. ماجراهای لوجی مارچ (۱۹۵۳) ۳. امروز را غنیمت شمار (۱۹۵۶) ۴. هندرسون، سلطان باران (۱۹۵۹) ۵. هرزروگ (۱۹۶۴) ۶. سیاره آقای سمار (۱۹۷۰) ۷. قربانی (۱۹۷۴) ۸. هدیه هوسبولت (۱۹۷۵) ۹. سرقت (۱۹۸۹) ۱۰. مجموعه داستان‌ها (۲۰۰۱)</p>	<p>For the human understanding and subtle analysis of contemporary culture that are combined in his work. به پاس درک انسانی و تحلیل موشکافانه فرهنگ معاصر که در آثار او تلفیق شده است.</p>	<p>Saul Bellow ساتول / سال بلو آمریکایی رمان‌نویس (۱۹۱۵ - ...)</p> 	<p>۱۹۷۸</p>

<p>۱. خانه کمرکچیان (۱۹۲۳) ۲. صدف سپیناج (۱۹۲۵) ۳. کف دریاها (۱۹۲۵) ۴. فرصت‌های مناسب (۱۹۳۳) ۵. مناسبت‌ها (۱۹۳۹) ۶. آخر زمین (۱۹۳۳) ۷. تندباد و اشعار دیگر (۱۹۵۶) ۸. پرنده دینارد (مجموعه آثار) (۱۹۵۶) ۹. بستگی دارد به... (۱۹۷۷) ۱۰. مجموعه اشعار (۱۹۸۰)</p>	<p>For his distinctive poetry, which with great artistic sensitivity has interpreted human values under the sign of an outlook on life with no illusion.</p> <p>به خاطر شعر و شاعری شادمان او که، با حساسیت فوق‌العاده هنری ارزش‌های انسانی را تحت نشان دیدگاهی از زندگی بدون تصورات پامتل تفسیر کرده است.</p>	<p>Eugenio Montale لوجینو مونتاله ایتالیایی شاعر (۱۸۹۶ - ۱۹۸۱)</p> 	<p>۱۹۷۵</p>
<p>The prize was divided equally between : 1- Eyvind Johnson and 2- Harry Martinson</p> <p>جایزه به طور مساوی بین دو نفر تقسیم شد</p> <p>۱- انویند یونسون / سوئدی / رمان‌نویس ۲- هری مارتینسون / سوئدی / شاعر و رمان‌نویس</p>		<p>۱۹۷۴</p>	
<p>۱. چهار غریبه (۱۹۲۴) ۲. شهر کوچک در تاریکی (۱۹۲۹) ۳. وداع با هملت (۱۹۳۰) ۴. بویبتاک (۱۹۳۲) ۵. اینجا شب است (۱۹۳۲) ۶. باران در طلوع آفتاب (۱۹۳۳) ۷. سال ۱۹۱۴ بود (۱۹۳۴) ۸. بازگشت به ایناتا (۱۹۴۶) ۹. ایام شکوه‌مندی او (۱۹۶۰) ۱۰. گامهایی به سکوت (۱۹۷۳)</p>	<p>For a narrative art, farseeing in lands and ages, in the service of freedom.</p> <p>بخاطر هنر روایتگری و مال اندیشی در سرزمین‌ها و اعصار، در خدمت آزادی.</p>	<p>Eyvind Johnson انویند یونسون سوئدی / رمان‌نویس (۱۹۰۰ - ۱۹۷۶)</p> 	<p>۱</p>
<p>۱. کشتی اشباح (۱۹۲۹) ۲. کولی (۱۹۳۱) ۳. الوداع دماغه [امپدیک] (۱۹۳۳) ۴. گزنه‌ها گل می‌کنند (۱۹۳۵) ۵. راه خروج (۱۹۳۶) ۶. تجارت باد (۱۹۴۵) ۷. سفرهای بی‌هدف (۱۹۳۳) ۸. تجارت باد (۱۹۴۵) ۹. جاده (۱۹۴۸) ۱۰. انیارا (۱۹۵۶)</p>	<p>For writing that catch the dewdrop and reflect the cosmos.</p> <p>برای آثاری که جهان هستی را در قطره شبنم منعکس می‌کند.</p>	<p>Harry Martinson هری مارتینسون سوئدی شاعر و رمان‌نویس (۱۹۰۴ - ۱۹۷۸)</p> 	<p>۲</p>
<p>۱. شخصوزن و اشعار دیگر (۱۹۳۵) ۲. دره شاد (۱۹۳۹) ۳. داستان سورچگان (۱۹۴۸) ۴. ضحیه بشر (۱۹۵۵) ۵. شرمان ووس (۱۹۵۶) ۶. کالاسکه سواران (۱۹۶۱) ۷. کوه‌های برهنه (۱۹۶۳) ۸. چشم طوفان (۱۹۷۳) ۹. کمریندی از برگ (۱۹۷۶) ۱۰. اسباب بازی‌های بزرگ (۱۹۷۸)</p>	<p>For an epic and psychological narrative art which has introduced a new continent into literature.</p> <p>به پاس هنر روایی و حماسی که قاره‌نویسی را به ادبیات ارائه کرده است.</p>	<p>Patrick White پتریک وایت استرالیایی رمان‌نویس (۱۹۱۲ - ۱۹۹۰)</p> 	<p>۱۹۷۳</p>

<p>۱. آشنای شب (۱۹۲۵) ۲. قطار سر وقت رسید (۱۹۲۷) ۳. آدم کجایی؟ (۱۹۵۱) ۴. بیلیارد در ساعت ۹/۵ (۱۹۵۹) ۵. دلنک (۱۹۶۳) ۶. عهدجده داستان (۱۹۶۶) ۷. عکس گروهی با بانو (۱۹۷۱) ۸. آخرین انتخاب کاترینا بلوم (۱۹۷۳) ۹. فرشته ساکت (۱۹۹۲) ۱۰. سگ هار (۱۹۹۷)</p>	<p>For his writing which through its combination of a broad perspective on his time and a sensitive skill in characterization has contributed to a renewal of German literature.</p> <p>بخاطر آثار او که با ترکیب چشم‌انداز گسترده عصر خویش و مهارتی پر احساس در شخصیت‌پردازی در بازسازی ادبیات آلمان تشریک مساعی کرده است.</p>	<p>Heinrich Boll هاینریش بول آلمانی رمان‌نویس (۱۹۱۷ - ۱۹۸۵)</p> 	<p>۱۸۹۱</p>
--	---	---	-------------

پی‌نوشت:

* کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی

منابع و مأخذ:

- ۱- سیدحسینی، رضا، فرهنگ آثار: معرفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۸۳۳۱، جلد ۶
- ۲- مصاحب، غلامحسین و دیگران، دایرةالمعارف فارسی، مجلد ۳ - ۱، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۸۰.
- ۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی، مجلد ۶ - ۵، تهران، امیرکبیر، چاپ بیستم، ۱۳۸۲.
- 4- Agneta Wallin Levinovitz and Nils Ringertz, (eds)"The Nobel Prize: The First 100 Years", Imperial College Press and World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd., 2001.
- 5- Abrams.M.,H.,General Editor:Norton Anthology of English Literature,Vol.2 the Twentieth Century, by aiches.w.w.Norton Company .Inc.U.S.A.1968.
- 6- Drabble.Margaret(ed.) The Oxford Companion to English Literature, Sixth edition, Revised(2006).
- 7- Encyclopedia Britannica Deluxe Edition 2004 CD-ROM.
- 8- Encyclopedia Britannica Student Edition 2003 CD-ROM.
- 9- Esp mrak,K. The Nobel Prize in Literature. A Study of Criteria behind the Choices. G.K.Hall & Co., Boston (1991).
- 10- <http://nobelprize.org/literature/articles/espmark/index.html>.
- 11- <http://nobelprize.org/nobelweb/index.html>.
- 12- http://nobelprize.org/nobel_prizes/literature.

ادامه دارد

